

پل PMP

پل های PMP ساخت روسیه و یکی از سریع ترین پل های هجومی از جهت امکان نصب در دنیا است. البته ما الان خودمان این پل ها را می سازیم. اگر همه شرایط در ساحل آماده باشد؛ یعنی قبلاً ساحل سازی شده باشد و همه خودرها بتوانند با هم به پای رودخانه بروند کل ۲۲۷ متر این پل در نیم ساعت قابل نصب است. یگان های مهندسی ارتش در عرض ۲۵ دقیقه این پل ها را نصب می کردند که رکورد بود. پل ۷ متر عرض دارد. قطعه قطعه است و به هر یک از این قطعه ها سطح می گویند. چهار تا از این سطح ها به صورت آکار دثونی روی یک خودرو سوار است. این خودرو به ساحل رودخانه که رسید عقب عقب می آید و با مکانیزمی که در خودر وست این قطعات آکار دثونی از روی قرقه ها سر می خورند و داخل آب می افتند. فتری که در بین این سطح ها وجود دارد اینها را باز می کند. هر کدام از این سطح ها می توانند ۲۰ تن بار را تحمل کنند. خودروی بغلی هم همین طور والی آخر.

پل ها که انداخته می شوند سر بازها سطح ها را به هم نزدیک و در نهایت قفل می کنند. بنابراین در عرض ۲۰ دقیقه پلی به موازات ساحل خودمان با طولی که لازم است ساخته می شود. وقتی این پل ساخته شد یک سرش را در ساحل خودی مستقر می کنند و سر دیگرش را دو تا قایق می گیرند و به سمت ساحل مقابل می کشند و پل نصب می شود. این پل ها برای بارهای مرکبی مثل یک تانک سوار بر تریلی، می تواند تا ۹۰ تن را تحمل کند ولی برای یک تانک تنها می تواند ۶۰ تن را تحمل کند.

هر پل ۲۲۷ متر است و برای خودروهای کوچک یک پل دو طرفه محسوب می شود. اگر لازم باشد پل می تواند از وسط نصف و ۳۸۲ متر شود. در این صورت تحمل تناژ پل به ۲۰ تن کاهش می یابد و پل یک طرفه می شود. این پل ها با همان مکانیزم نصب، باز می شوند و به ساحل خودی می آیند. قفل هاشان باز می شود و هر سطحه از سطحه بغلی جدا و بعد با جرثقیلی که در خودرو هست جمع می شود.

در هر گروه پل، کنار این سطحه ها تعدادی قایق است که وظیفه شان این است که بعد از زدن پل، پل را به سمت ساحل مقابل برسانند. می توان از این سطحه ها و قایق به عنوان طراده استفاده کرد؛ می توان مثلاً ۸ تا از این سطحه ها را به هم وصل کرد و یک یاد قایق این سطحه ها را با ۱۶۰ تن باری که می توانند حمل کنند در آب جا به جا کنند.

است که شاید از ۵ کیلومتری با چشم دیده شود. با ستون پنجم فعالی که دشمن داشت، انتقال این پل ها خیلی سخت بود. شب ها حرکت می کردیم و روزها ماشین ها را استتار می کردیم.

وسایل ساخت پل را به محل های نصب بردیم. سطحه ها از ۴۸ ساعت قبل در محل بودند. آنها را با برگ خرما و شاخه های نخل مخفی کرده بودیم. این وسایل صبح نهم اردیبهشت، قبل از عملیات باز شدند و پل ها داخل آب انداخته شدند تا در لحظه ای که فرمان داده شدند نصب شوند. محل نصب پل ها ۵ نقطه بود: دارخوبین، مکسر حسینی، هالوپ، کفیسه و سلمانیه اما احتیاج داشتیم تا یک سری وسایل مهندسی و بولدوزر را به ساحل غربی ببریم تا آنجا ساحل سازی کنند. من با اطلاعاتی که داشتم به شهید صیاد گفتم مادر گذشته یک تعداد طراده به نام جی اس پی از روس ها خریده ایم. کار با اینها قبل از انقلاب در سد منجیل به نیروها آموزش داده شد. حتی آن زمان یکی از آنها حین آموزش غرق شد، منتها هیچ استفاده عملی تا آن زمان از آنها نشده بود. به شهید صیاد پیشنهاد استفاده از این طراده ها را دادم. طراده ها از انبارهای ارتش از آبیگ قزوین حمل و در دغاغله اهواز جمع شدند. طراده ها ظرفیت حمل ۶۰ تن بار را داشتند.

کسی را نداشتیم که بتواند با این طراده ها کار کند. بچه های نیروی دریایی مسوولیت این کار را بر عهده گرفتند و به یک سری از نیروهایشان آموزش دادند که این طراده ها را هدایت کنند.

این طراده ها تکی هستند ولی داخل آب که می روند به هم می چسبند و قفل می شوند. یادم می آید اولین اینها را که به هم وصل کردیم در دغاغله اهواز بود ولی به هم قفل نشدند و آب طراده را برد.

همه ناامید شدیم ولی شهید صیاد شیرازی با آن توکلی که داشت گفت دوباره این کار را بکنید. گفتند هر که در ساحل است و دارد تماشا می کند سوار شود. ما سوار شدیم و از این طرف رودخانه به آن طرف رفتیم. کنار هر کدام از این پل ها دو تا طراده گذاشتیم که قبل از نصب پل ها بولدوزرها را به ساحل غربی کارون بردند تا ساحل سازی را شروع کنند. حتی با اینها ما هفتصد تن مهمات حمل کردیم. این طراده ها در جزایر مجنون هم نقش مهمی داشتند. چند تا سطحه به این طراده ها وصل بودند و روی سطحه ها توپ و تانک و چیزهای دیگر بود که اینها را دنبال خودشان می کشیدند.

شب عملیات من خدمت آقای هاشمی رفسنجانی رسیدم و گفتم که ما موفق شدیم به عوض چهار تا پل، پنج تا پل بزنیم، منتها یک اشکالی وجود داشت. دیدم تمام موجودی ما روی آب است. پل های PMP وقتی زده می شوند باید یک مقدار سطحه و یک پارک به عنوان زاپاس وجود داشته باشد که اگر گلوله توپی به اینها اصابت کرد یا احیاناً بمباران شد، امکان تعویضشان وجود داشته باشد ولی خدا را شاهده می گیرم ما حتی یک سطحه زاپاس هم نداشتیم. به هر حال در شب نهم اردیبهشت ما ۱۲۶۰ متر پل روی کارون نصب کردیم. قرار بود نیروها ساعت ۱۸ روز نهم اردیبهشت از پل هارد شوند اما ما دو ساعت زودتر و ساعت ۱۶ عبور نیروها شروع شد. فقط پل پنجم که در منطقه سلمانیه بود به علت آتش سنگین توپخانه عراق تا شب ساعت ۲۳ نصب نشد.

عرض کارون در محل نصب یکی از پل ها ۲۵۰ متر بود. این پل در منطقه دارخوبین بود و اتفاقاً در مسیر حرکت یگان های زرهی لشکر

گزارشی از نصب پل های عبوری روی رودخانه کارون

پل های موقت

مهندسی ۴۱۴ مهندسی بروجد که در دغاغله اهواز مستقر بودند موجودی ما بود.

با آورد نیرویی که داشتیم دیدیم حداقل یک پل دیگر لازم داریم. بنابراین یک پارک پل به شوروی سفارش دادیم. پول این پل هم پرداخت شد ولی پل آمد و در جلفای شوروی ماند. روس ها شیطنت کردند و پل را تا پایان عملیات بیت المقدس نگه داشتند و به ما ندادند. عملیات که تمام شد پل ها را تحویل دادند، در حالی که حتی آب طراده ها را خالی نکرده بودند و تمام موتورهایشان تر کیده بود.

بر اساس حجم نیرویی که داشتیم رکن ۳ قرارگاه کر بلاز ما حداقل ۴ پل خواسته بود. حالا پل های ما کجا بود؟ در منطقه فتح المبین و نزدیک دزفول. فاصله پل تا محل نصب ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلومتر بود.

پل های PMP هم وقتی که یک بار استفاده می شوند و داخل رودخانه می روند بلافاصله نمی توانند مورد استفاده قرار بگیرند، چون سوراخ می شوند، آب داخلشان نفوذ می کند و نیاز به ترمیم، جوشکاری یا بازسازی دارند تا دوباره بشود از شان استفاده کرد.

ما این پل ها را جز چندتایی که باید جا می ماند از روی رودخانه کرخه جمع کردیم. اما مشکل انتقال داشتیم. قطعات پل های PMP هر کدام روی یک ماشین کراز روسی سوارند. حجم آن به قدری بزرگ

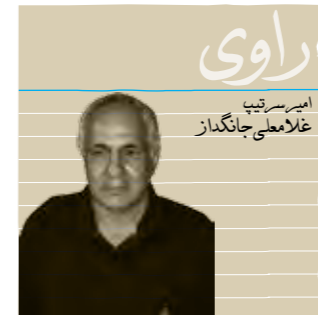
نطفه عملیات بیت المقدس در فتح المبین بسته شده بود. قبل از عملیات فتح المبین بود که شهید صیاد به من گفت برو فکر خرمشهر باش. ما برای فتح المبین ۱۱ پل روی کرخه انداخته بودیم. کرخه یک رودخانه خروشان اما فصلی است. گاهی عرض کم می شود و گاهی زیاد. اما کارون چیز دیگری است. کارون کم سیلابی می شود، اما عرض رودخانه زیاد است و سرعت آب هم اکثر اوقات بالاست.

ما برای عبور از رودخانه متکی به پل های PMP بودیم. این پل ها ساخت شوروی بود. شوروی این پل ها را برای حمله به اروپای غربی طراحی کرده و ساخته بود. طول، عرض و تناژ این پل ها بر این اساس طراحی شده بود. بنابراین با کارون تجانس نداشت.

در شرایطی که بخواهیم یک پل PMP حداکثر تناژ را تحمل کند حداکثر می تواند ۲۲۷ متر باشد. معضل اول ما این بود که عرض

کارون بعضی جاها ۲۵۰ متر بود. مسأله بعدی سرعت آب بود که در کارون معمولاً ۲ متر بر ثانیه است اما گاهی به ۳/۸ تا ۳ متر بر ثانیه هم می رسد. طبق آیین نامه، این پل ها باید روی رودخانه هایی با سرعت آب حداکثر ۲ متر بر ثانیه زده می شد.

موجودی ما پل های لشکرهای زرهی بود. هر لشکر یک گروهان پل داشت. لشکر ۱۶ قزوین به پل خود برای عبور از کرخه کور احتیاج داشت. پل های لشکرهای ۹۲ زرهی اهواز، ۸۱ کرمانشاه و پل های گردان



امیر سعید غلامعلی جانگداز

